دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال پانزدهم/ شماره ۲۵/ بهار و تابستان ۱۴۰۳

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 15 ,No 25, Spring & Summer 2024

حوزه‌های مسئولیت انسان از نگاه قرآن و روایات

□ حیدر رجایی *

چکیده

انسان به جهت استعداد و ظرفیت های وجودی اش، کرامت و برتری ذاتی و مقام خلیفه اللّهی که نسبت به سایر موجودات و مخلوقات از منظر آیات و روایات دارد، در حوزه های مختلف اعتقادی، خود شناسی، خودسازی، اخلاقی، فردی و اجتماعی مسئولیت هایی برعهده دارد که باید نسبت به آنها عملا پاسخگو باشد. همچنین به دلیل داشتن امتیازات ذاتی چون اراده، اختیار، قدرت تعقل و تفکر و... مأمور به تکلیف، عمل به وظیفه، تعهد و امانت داری و وفای به عهد است. در این مختصر نوشته با استناد به آیات و روایات، حوزه های مختلف مسئولیت انسان اعم از مسئولیت فردی وی دربرابر خدا و خویشتن، مسئولیت او نسبت به خانواده و فرزندان و نیز مسئولیت او در برابر دیگران و حتی مسئولیتش نسبت به طبیعت و جهان هستی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: انسان، مسئولیت، سؤال، حقوق و تکالیف، قرآن و روایات.

---

* . پژوهشگر سطح چهار حوزه علمیه جامعة المصطفی ﷺ العالمیه.

مقدمه

انسان درنظام آفرینش موجود برتر و اشرف مخلوقات است. او ذاتا نسبت به سایر مو جودات عالم از جایگاه و مقامی بس بزرگ و کرامتی ویژه برخوردار است. انسان در فرهنگ وحیانی و الهی دارای مقام خلیفه اللهی و جانشینی خدا بر زمین است؛ گرامی ترین و برترین مخلوقات و وارث علم خداست. او در بین مخلوقات از بهترین و نیکوترین صورت و شکل ممکن بهره‌مند است.

انسان بر اساس استعداد، خلاقیت، ظرفیت، سعه‌ی وجودی، روحی و عقلی که دارد می تواند برهمه موجودات و کرات آسمان و زمین و آنچه در بین آن دو هست مسلط گردد و آن ها را به تسخیر خویش درآورد. باتوجّه به لطف و عنایت ویژه‌ی خداوند در اعطای ظرفیت و سعه وجودی به انسان؛ به همان میزان حوزه های مسئولیت، تکالیف و وظایف او نیز مختلف و گسترده است و نسبت به آن باید مسئول و پاسخگو باشد. دراین نوشتار سعی گردیده است با مراجعه به آیات و روایات در مورد مسئولیت عملی انسان نسبت به خود و دیگران، پژوهش مختصری تحت عنوان (حوزه‌های مسئولیت انسان ازنگاه قرآن وروایات) صورت گیرد.

مفاهیم

واژه مسئولیت

از جمله مفاهیمی که فقط درمورد انسان کاربرد دارد کلمه مسئولیت است؛ به گونه ای که هرگاه از انسان و رفتار و گفتار او سخن به میان می آید، مفهوم مسئولیت، اختیار، اراده، حق و حقوق، وظیفه شناسی، امانت داری، تعهد به انجام تکلیف وعمل به آن در ذهن تداعی می‌شود.

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی با کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پایبندی او بودن است (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۳ش، ۱۲ /۱۸۴۶).

راغب درمفردات می نویسد: «سؤال؛یعنی طلب شناختن، یا چیزی که انسان را به معرفت و شناخت می‌رساند یا خواستن مال وآنچه که (انسان) را به مال می‌رساند (راغب اصفهانی،، مفردات، ۱۴۱۲ ق، ص: ۴۳۷).

صاحب التحقیق: «اصل درمادّه سوال عبارت است از طلب کردن کاری از شخص و کسی دیگر. مطلوب و چیز درخواست شده اعم است از این که خبر، مال، علم، عطاء و یا چیزی دیگر باشد. فرق بین طلب وسؤال در این است که طلب صفت نفسانی و قائم به نفس است نیاز به ظهور و اظهار ندارد؛ مثل طلب کردن کمال. درمعنی طلب الزام نهفته است، درسؤال چنین نیست که الزام داشته باشد» (مصطفوی، التحقیق، ١٤٣٠ ق، ج ٥/ ٨).

واژه تکلیف

تکلیف به معنای «چیزی از کسی خواستن که در آن رنج باشد»، «کسی را در رنج انداختن» (لغتنامه دهخدا، واژه تکلیف)، «امری که انجام آن سختی ومشقت دارد» و «آنچه که در معرض ثواب وعقاب است» (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش، ۵/ ۱۱۵) است.

راغب می‌گوید: «تکلیف از کلَف به معنی آزمندی وحریص بودن به چیزی است. واژه کلفت درسخن معمولی بین انسانها اسمی است برای مشقت و سختی. تکلّف اسمی است برای کاری که بامشقت وحرص و ظاهرسازی انجام می شود (راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ص: ٧٢٢).

صاحب التحقیق :«اصل درمعنی مادّه تکلیف عبارت است از تعلق امر به چیزی چه این امر از امور مادّی باشد یا امور معنوی که در انجام ان مشقت وسختی باشد مانند اوامری عادی که ازطرف خدا ورسول خداﷺ متوجه انسان می شود و باسختی ومشقت انجام میدهد» (مصطفوی، التحقیق، ۱۴۳ ق، ۲/ ۳۰۵).

واژه حق

کلمه حق مقابل باطل است، و آن (حق) عبارت است از امر ثابتی که آثار واقعی مطلوبش بر آن مترتب بشود، و حق بودن فعل خدا به این معنا است که بحسب واقع متعین و واجب، همین فعل باشد. راغب گفته است: «باطل نقیض حق و به معنای چیزي است که پس از وارسی کردن معلوم می‌شود ثبات نداشته. بنا براین بطلان هر چیزی بدین معنا است که انسان برای آن چیز یك نوع وجود و واقعیت فرض بکند، ولی وقتی با خارج تطبیقش می‌کند آن طور که فرض

شده بود مطابق با خارج نباشد. و حق بر خلاف آنست عبارت است از چیزی که فرضش با خارج تطبیق کند (موسوی همدانی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴ ش، ج۱۱/ ۴۵۸).

با توجّه به معانی و مفاهیم واژگان فوق روشن می شود هرجا «وظیفه‌ای» وجود دارد در کنار آن«حقی» هم ثابت است، یعنی وظیفه از حق هرگز جدا نیست؛ مثلا پدر و مادر وظایفی در برابر فرزندان خود دارند و همین سبب می‌شود که حقوقی نیز به گردن آن ها داشته باشند.

هر یک از این واژگان (وظیفه، تکلیف، حق، تعهّد و مسئولیت) به نوعی با یکدیگر ملازمت دارند؛ به عنوان مثال، تا وظیفه ای بر دوش کسی نباشد، مسئولیتی در قبال انجام دادن یا ندادن آن نخواهد داشت و در مورد آن بازخواست نخواهد شد.

همچنین واژۀ «تکلیف» نیز با «مسئولیت» و «وظیفه» ملازم است؛ چراکه در هر سه مورد چیزی بر عهدۀ شخص می باشد که اجرای آن، لازم و واجب است.

همانگونه که کلمۀ «تعهّد» با سه واژۀ تکلیف، مسئولیت و وظیفه در ارتباط است؛ چرا که درهر حال فرد متعهّد، موظّف و مکلّف است آنچه را که به آن تعهّد داده است به انجام برساند و در این مورد مسئول می باشد.

کلمه «حقّ» نیز با واژه‌های اخیر تناسب دارد؛ زیرا هرگاه سخن از حق به میان می‌آید، تکلیف و مسئولیتی هم در پی آن خواهد بود و با اثبات حق برای یک طرف، تکلیف و مسئولیتی هم برای طرف دیگر به وجود می‌آید.

شرایط سه گانه‌ی پذیرش مسئولیت

حس مسئولیت و یا مسئولیت پذیری از مختصات و ملاک انسانیت انسان است. انسان بخاطر سعه وجودی که دارد، ازظرفیت و نعمت های فراوانی چون قدرت تعقل وتفکر، تعلیم و تعلّم، اراده و اختیار و... برخوردار است. پذیرش و قبول وظایف، تکالیف وحقوقی که متوجّه اوست، مبتنی و متفرع بر سه شرط و سه ویژگی قدرت وتوانایی، علم و آگاهی و نیز اختیار و اراده است. مسئولیت انسان به میزان شدت وضعف شرایط سه گانه‌ی فوق متغییر است. بدیهی است انسان باید به تناسب آگاهی، قدرت و توانایی خویش در پذیرش مسئولیت، پاسخگو باشد ومورد بازخواست قرار گیرد.

۱. قدرت وتوانایی

قدرت وتوانایی برانجام عمل یکی از شرایط عقلی و موثر درانجام هرکار است. هرانسان به میزان توانایی خویش می تواند وظیفه و تکلیفی را برعهده بگیرد. قرآن کریم دربسیاری ازآیات براین مهم تأکید ورزیده که در ذیل به ذکرچند نمونه اکتفا می شود.

الف. قدرت وتکلیف: قدرت، شرط کلیدی در پذیرش تکلیف است. طبق بیان صریح آیات برای فاقدین این شرط، انجام مسئولیت و عمل به تکلیف و پاسخگویی معنی ندارد :

لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها لَها ما کَسَبَتْ وَ عَلَیْها مَا اکْتَسَبَتْ ... رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ. (بقره/ ۲۸۶)؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آن‌چه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آن‌چه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست... پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرّر مدار!

ب. قدرت و نفقه : درمکتب اسلام نفقه و مخارج زوجه، به عنوان یک مسئولیت برعهده زوج است و درموارد تنگ دستی نیز زوج باید به اندازه توان مالی وظیفه اش را انجام دهد.

لِیُنْفِقْ ذُو سَعَه مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَیْهِ رِزْقُهُ فَلْیُنْفِقْ مِمّا آتاهُ الله لا یُکَلِّفُ الله نَفْسًا إِلاّ ما آتاها سَیَجْعَلُ الله بَعْدَ عُسْرٍ یُسْرًا (طلاق / ۷)؛ بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آن‌چه خدا به او داده خرج کند؛ خدا هیچ‌کس را جز [به قدر] آن‌چه به او داده است تکلیف نمی کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند.

ج . قدرت و دفاع: درموضوع دفاع نیز در اسلام به فراهم کردن و بالابردن سطح توانایی و سطح قدرت و بنیه دفاعی توجّه ویژه ای شده است:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّکُمْ وَ آخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فِي سَبِیلِ اللَّهِ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تُظْلَمُونَ (انفال/ ۶۰)؛ در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی دارید از نیرو آماده سازید و همچنین اسبهای ورزیده برای میدان نبرد، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما

نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به شما باز گردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.

۲. علم وآگاهی

یکی از شروط لازم برای درست انجام دادن هرکاری علم و آگاهی به آن کار است. انجام کار درست ازکسی برمی آید که به تمام زوایا وشرایط آن کار آگاهی و اشراف داشته باشد. عقلا انجام عمل درست، از جاهل متوقع نیست. تفاوت درجات جاهل و عالم براساس این دوصفت متضاد سنجیده می شود: «**قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ**» (زمر/۹)؛ بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکّر می‌شوند. پذیرش مسئولیت هم متوجّه انسان جاهل نبوده ومواخذه او عقلا وشرعا پذیرفته نخواهد بود.

انسان درفرهنگ دینی اسلامی، باید مجهز به ابزار شناخت ومعرفت باشد؛ عمل و گفتار بدون آگاهی و از روی جهل از او پذیرفته نیست: «**وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مسئولاً**» (اسراء / ۳۶)؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئولند. درعدم رعایت در امانت و عدم وفای به عهد مورد مواخذه قرار می گیرد.

انسانی که قدرت اندیشدن، شنیدن و دیدن دارد، اما از این ظرفیت بهره نمی‌برد، غافل است. آدم غافل ازدید قرآن در حضیض حیوانیت و بلکه پست تر ازآن است:

وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ كَثيراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا يَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لا يُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا يَسْمَعُونَ بِها أُولئِكَ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ (انعام /۱۷۹)؛ به یقین،گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها [عقلها] یی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند.

۳. اختیار و قدرت انتخاب

یکی دیگر از امتیازات انسان بر حیوانات، خصوصیت اختیار و اراده است. انسان مخاطب به امر و نهی و رعایت آداب و اخلاق انسانی اسلامی، اگر با اراده واختیار خویش عامل و یا تارک فعل و عمل باشد؛ مستحق مدح و ذم است.

انسان با نیروی اختیاری که دارد می تواند از بین دو راهی هدایت وضلالت، خوب وبد،،سعادت وشقاوت و خیر وشر یکی را برگزیند: «**اِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْناهُ سَمِيعاً بَصِيراً؛ إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً**» (سوره انسان/ ۲و۳)؛ آیا چنین نیست که زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزمائیم (لذا) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

بنابراین تحقق مسئولیت با تحقق سه شرط اساسی قدرت، علم و آگاهی و اختیار امکان پذیر است. انسان فاقد قدرت بر انجام عمل، جاهل به وظیفه و انسان مجبور بر ترک و انجام فعل، مورد باز خواست و پاسخگویی قرار نمی‌گیرد.

گستره‌ی مسئولیت انسان از نگاه روایات

انسان از آنجا که یک موجود اجتماعی و زیست محیطی است نیازمند است. نیاز و احتیاج انسان تنها به همنوعانش خلاصه نمی‌شود؛ بلکه حتی به تمام پدیده های هستی و محیط پیرامون و طبیعتی که در آن زندگی می‌کند و نفس می‌کشد، وابسته است. انسان به میزان گستردگی نیاز و احتیاجش، وظایف و تکالیفی بر دوش دارد.

وسعت احتیاج و وظایف محوله انسان نسبت به خود، دیگران ومحیط پیرامونش دربیان روایات

امام سجّاد علیه السلام می فرماید :

اِعلَم رَحِمَکَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیکَ حُقوقاً مُحیطَةٌ بِکَ فِی کُلِّ حَرَکَةٍ تَحَرَّکتَها وَ سَکَنَةٍ سَکَنتَها اَو حالٍ حَلَّتها اَو مَنزِلَةٍ نَزَلتَها اَو جارِحَةٍ قَلَبتَها اَو ءَالَةٍ تَصَرَّفتَ فِیها فَاَکبَرِ حُقُوقُ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی عَلَیکَ ما اَوجَبَ عَلَیکَ لِنَفسِهِ مِن حَقِّهِ الّذی

هُوَ اصلُ الحُقوقِ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴ ق، ص: ۲۵)؛ بدان که خدای عزّوجلّ را بر تو حقوقی است که در هر حرکتی که از تو سر می زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرّف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است . بزرگترین حقّ خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقّی که ریشه همه حقوق است.

امام علی‌علیه‌السلام در نهج البلاغه نسبت به عمومیت نیاز انسان و مسئولیت او می فرماید:

اِتَّقُوا اللّه َفي عِبادِه و بِلادِه فإنّكُم مسئولُونَ حتّى عنِ البِقاعِ و البَهائمِ، أطِيعُوا اللّه َولا تَعصُوه (هاشمی خویی، منهاج البراعة، ۱۴۰۰ ق،ص:۲۴۲)؛ از خدا بترسید درباره بندگان او وسرزمین هایش؛ زیرا شما حتی نسبت به قطعه های زمین ها و چارپایان نیز باید پاسخگو باشید. از خدا اطاعت کنید و نافرمانی او نکنید.

در مناجاتی که از امام صادق‌علیه‌السلام نقل شده است، عرضه می‌دارد:

يا صادقَ الوَعدِ، يا مَن لا يُخلِفُ المِيعادَ، يا مَن هُو كُلَّ يَومٍ في شَأنٍ، أن أنعَمتَ عَلَينا بمُوالاةِ أوليائكَ المسئولِ عنها عِبادُكَ، فإنَّكَ قلتَ و قَولُكَ الحَقُّ : «ثمّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئذٍ عَنِ النَّعِيمِ» و قُلتَ «و قِفُوهُم إنَّهُم مسئولُونَ (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷ ق،۱۴۶/۳)؛ ای آن که وعده اش راست است! ای کسی که خلف وعده نمی کند! ای آن که هر روز در کاری است! نعمتِ دوستی اولیای خود را، که از بندگانت درباره آن بازخواست می شود، به ما ارزانی داشتی. تو فرموده ای و فرموده تو راست است که : «سپس، در آن روز از نعمتها بازخواست می شوید» و نیز فرموده ای: «و نگه داریدشان، که از آنان پرسش شود.

حوزه‌های مسئولیت

گفته شد، مسئولیت بر گرفته از سؤال است؛ یعنی آنچه که درباره آن سؤال خواهد شد. درفرهنگ دینی اسلامی، انسان در قیامت نسبت به اعتقادات، اعمال، کردار و گفتارش مورد مؤاخذه، حساب رسی و سؤال قرارمی‌گیرد. قرآن کریم در آیه‌ی دیگر می فرماید: «**وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مسئولُونَ**» (صافات / ۲۴)؛ آنها را متوقف سازید چون باید مورد بازپرسی قرار گیرند. این که از

چه چیز و از چه کسی از او سؤال می شود؟ باید دید انسان چه وظیفه، تکلیف، حق و عهدی متوجّه او بوده که به مقتضا و تناسب به آن باید پاسخگو باشد و مورد بازخواست قرار گیرد.

قرآن کریم در برخی ازآیات به طورکلی می فرماید: «**كلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ رَهِينَةٌ**» (مدثر/۳۸)؛ هر کس در گرو اعمال خویش است. درآیه۸ سوره تکاثر فرمود: «**ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيم**» (تکاثر/۸)؛ سپس در آن روز همه شما قطعا از نعمتهایی که داشته‌اید سؤال خواهید شد.

انسان به تناسب گستردگی وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی که دارد، ایجاب می کند حوزه مسئولیتش نیز وسیع و گسترده باشد. مسئولیت در حوزه فردی، مسئولیت نسبت به دیگران، مسئولیت در حوزه اجتماعی و مسئولیت انسان در قبال طبیعت پیرامون و محیط زیست خویش از جمله موارد مهم حوزه‌های مسئولیت انسان است.

۱. حوزه های مسئولیت فردی

حوزه مسئولیت فردی، خود گونه های زیادی می تواند داشته باشد؛ مانند مسئولیت فرد دربرابر خویشتن خویش، مسئولیت فرد درمقابل خانواده، مسئولیت فرد نسبت به دیگران و مسئولیت فرد در برابرخداوند متعال. امام سجّاد﵇ می فرماید از آن جا که هرحقّی مسئولیتی در پی دارد، همه ی حقوق ومسئولیت ها بر می‌گردد به حق خدا بر انسان :

> **اِعلَم رَحَمَکَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیکَ حُقوقاً مُحیطَةٌ بِکَ فِی کُلِّ حَرَکَةٍ تَحَرَّکتَها وَ سَکَنَةٍ سَکَنتَها اَو حالٍ حَلَّتها اَو مَنزِلَةٍ نَزَلتَها اَو جارِحَةٍ قَلَبتَها اَو ءَالَةٍ تَصَرَّفتَ فِیها فَاَکبَرِ حُقُوقُ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی عَلَیکَ ما اَوجَبَ عَلَیکَ لِنَفسِهِ مِن حَقِّهِ الّذی هُوَ اصلُ الحُقوقِ** (ابن شعبه حرانی، تحف العقول،۱۴۰۴ق، ص: ۲۵۵)؛ بدان که خدای عزّوجلّ را بر تو حقوقی است که در هر حرکتی که از تو سر می زند و هر آرامشی که داشته باشی و یا در هر حالی که باشی یا در هر منزلی که فرود آیی یا در هر عضوی که بگردانی یا در هر ابزاری که در آن تصرّف کنی، آن حقوق اطراف تو را فرا گرفته است . بزرگترین حقّ خدای تبارک و تعالی همان است که برای خویش بر تو واجب کرده؛ همان حقّی که ریشه همه حقوق است.

۱. حوزه مسئولیت انسان در برابر خداوند

اولین وظیفه، تکلیف و مسئولیتی که درقبال خداوند در حوزه فردی متوجّه انسان می شود، حق خدا است. این مسئولیت به عنوان عهد، امانت و ولایت، برعهده اوست؛ مانند شناخت و معرفت توحیدی، بندگی و پرستش و اطاعت پروردگار و... . در ذیل به ذکر چند مورد اکتفا می شود.

۱-۱. معرفت وشناخت ذات خداوند

شناخت کنه ذات باری تعالی از عهده فهم ودرک بشر بیرون است. اصلا شناخت ذات بی نهایت برای بشر محدود، ممکن و میسر نیست. پیامبر اکرمﷺ دراین‌باره می‌فرمایند:

لا يَبلُغُ أَحدٌ كُنهَ مَعرِفَتِهِ . فَقيلَ : ولا أَنتَ يا رَسولَ اللّهِ؟ قالَ: ولا أَنَا، اللّهُ أَعلى وأَجَلُّ أَن يَطَّلِعَ أَحدٌ عَلى كُنهِ مَعرِفَتِهِ (ابن‌ابی‌الجمهور احسائی، عوالی اللئالی،۱۴۰۵ ق، ۱۳۲/۶) هیچ‌کس به کنه معرفت خدا نمی‌رسد. از او پرسیدند: حتی شما ای رسول خدا؟ فرمود: حتی من؛ خدا بالاتر و برتر از این است که کسی به کنه معرفتش برسد.

اما شناخت و معرفت نسبت به اسماء، صفات جمال وجلال، آیات و قدرت الهی ممکن است:

وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ما أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ ما أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ» (ذاریات/۵۶)؛ و جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند، نیافریده‌ام از آنان رزقی نخواسته‌ام و نخواسته‌ام که به من خوراک دهند.

روشن است عبادت، متفرع بر معرفت معبود است. پس آفرینش جن و انس برای شناخت حق و حرکت در راه خداوند است. در کلام نورانی معصومین علهیم السلام به وضوح به پیش شرط بودن شناخت ومعرفت برای عبادت و بندگی اشاره شده است. به عنوان نمونه این روایت از امام حسینؑ نقل شده است:

اَيّهَا النّاسُ! إنّ اللّهَ جَلّ ذِكْرُه مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إلاّ لِيَعْرِفُوه، فَإذَا عَرَفُوه عَبَدُوه فَإذَا عَبَدُوه اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاه. (مجلسی، بحار الانوار،۱۴۰۳ق، ۵ /۳۱۲)؛ «ای مردم! خداوند بزرگ بندگان را نیافریده مگر به خاطر این که او را

بشناسند، هنگامی که او را بشناسند عبادتش می‌کنند، و هنگامی که بندگی او کنند از بندگی غیر او بی نیاز می‌شوند.

۱-۲. عبادت پروردگار

بدون شک بعد ازمعرفت صفات ذات وفعل خداوند اولین وظیفه، حقّ وتکلیفی که برعهده انسان است وظیفه و حق، بندگی وعبادت واطاعت پروردگاراست که در آیات وروایات به آنها اشاره شده است.

۱-۲-۱. آیات؛ دربسیاری ازآیات قرآنکریم به حقّ بندگی، عبادت واطاعت انسان نسبت به خداوند تأکید شده است، که می توان به ذکر چند طایفه ودسته ازاین قبیل آیات اشاره کرد.

الف. دسته از آیات خطاب صریح به پرستش پروردگار وخالق دارد :

يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذي خَلَقَكُمْ وَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره/۲۱)؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید.

ب. گروه دیگر از آیات تأکید دارد براین که هدف ازخلقت جن وانس جز عبادت وپرستش خداوند نیست: «**وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ**». (زاریات/ ۵۶)؛ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.

ج. طایفه از آیات می فرماید؛ حقّ خداوند بر بندگان درهر برهة از زمان؛عبادت خداوند واجتناب از طاغوت است :

وَ لَقَدْ بَعَثْنا في كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ (سوره نحل/۳۶) ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!

۱-۲-۲. روایات. روایات مأثور از پیامبر اسلامﷺ و معصومینعليهم‌السلام که بعنوان مبیّن

ومفسر آیات قرآن کریم هستند نیز به حق و تکلیف انسان در مقابل خداوند تصریح کرده اند که در ذیل به دو نمونه اشاره می شود.

الف. امام علی علیه السلام می فرماید :«اگربنا باشد حقّی برای کسی باشد آن حقّ عبادت واطاعت خداوند برگردن بندگان است:

وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ ذَلِكَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَالِصاً دُونَ خَلْقِهِ لِقُدْرَتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لِعَدْلِهِ فِي كُلِّ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ ضُرُوبُ قَضَائِهِ لَكِنْ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَ جَعَلَ كَفَّارَتَهُمْ عَلَيْهِ بِحُسْنِ الثَّوَابِ تَفَضُّلًا مِنْهُ وَ تَطَوُّلًا بِكَرَمِهِ وَ تَوَسُّعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ لَهُ أَهْلًا. (کلینی، محمد بن یعقوب الکافي،۱۴۰۷ ق، ج۸، ص: ۳۵)؛ اگر بنا باشد حق به سود کسی اجراء شود و زیانی نداشته باشد، این مخصوص خدای سبحان است نه دیگر آفریده‌ها، به خاطر قدرت الهی بر بندگان، و عدالت او بر تمام موجوداتی که فرمانش بر آنها جاری است، لکن خداوند حق خود را بر بندگان، اطاعت خویش قرار داده، و پاداش آن را دو چندان کرده است، از روی بخشندگی، و گشایشی که خواسته به بندگان عطا فرماید.

ب. امام صادق علیه السلام دراین زمینه می فرماید :

اِنَّ اللّهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالى ـ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقَهُ عَبَثاً وَ لَمْ يَتْرُكْهُمْ سُدًى، بَلْ خَلَقَهُمْ لِاظْهارِ قُدْرَتِهِ وَ لِيُكَلِّفَهُمْ طاعَتَهُ، فَيَسْتَوْجِبُوا بِذلِكَ رِضْوانَهُ وَ ماخَلَقَهُمْ لِيَجْلِبَ مِنْهُمْ مَنْفَعَةً وَ لا لِيَدْفَعَ بِهِمْ مَضَرَّةً، بَلْ خَلَقَهُمْ لِيَنْفَعَهُمْ وَ يوصِلَهُمْ اِلى نَعيمِ الاَبَدِ (عروسی الحویزی، نور الثقلین،۱۴۱۵ ق، ۳ / ۵۶۷)؛ خداوند متعال، آفریدگان خود را بیهوده نیافرید و آنان را به حال خود رها نکرد؛ بلکه آنها را آفرید تا قدرت خویش را نشان دهد و تکلیف عبادت (اطاعت) خود را به دوش آنها نهد تا با آن، سزاوار خشنودی او شوند. آنان را نیافرید تا از آنها سودی ببرد و یا زیانی را به وسیله آنها از خود، دور سازد. بلکه آفرید تا به آنها سود برساند و آنها را به نعمت جاودان (بهشت) برساند.

۱-۳. اعتقاد به اصول

اعتقاد به اصول مانند؛ توحید، نبوت، معاد واخلاقیات؛ بنا بر اعتقاد توحیدی اسلامی اولین وظیفه ی که برعهده ای جن وانس؛ بعد ازشناخت ومعرفت توحیدی گذاشته شده است عبارتند از ایمان به ذات اقدس الهی، ایمان به نبوت و رسالت انبیاء، ایمان به قیامت، ایمان به کُتب آسمانی وبرنامه های اخلاقی دین که چند عنوان کلی آن درآیه۱۷۷ سوره بقره گوشزد گردیده است :

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ وَ الْمَلائِكَةِ وَالْكِتابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمالَ عَلى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَى الزَّكاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره/۱۷۷)؛ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) رویِ خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود- به هنگامی که عهد بستند- وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماري‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینان پرهیزکاران اند!

در آیه ی فوق سه وظیفه و برنامه کلی در قالب اصول کلی اعتقادی، اخلاقی و عملی بیان شده است :

الف. وظیفه اعتقادی؛ ازجمله ایمان به خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران الهی.

ب. وظیفه عملی؛ ازجمله فروعات؛ نماز و روزه و... و همچنین مسئولیت درقبال

نیازمندان ومحرومان و بلکه کل جامعه انسانی و خویشتن خویش.

ج. وظیفه اخلاقی اجتماعی؛ از جمله تکیه بر وفای به عهد و صبر واستقامت وپایداری دربرابر ناملائمات ومحرومیتها بیماریها، استقامت در میدان جنگ و...

باتوجّه به آیات و روایات فوق، انسان موحد باید نسبت به هرگونه پذیرش مسئولیت، حق، تکلیف و وظایفی که به آنها متعهد شده است، پاسخگو باشد ومورد باز خواست قرار گیرد.

۲. حوزه های مسئولیت نفس و خویشتن

یکی از مهمترین مسئولیت‌های انسان، مسئولیتش نسبت به نفس خویش است. هر انسانی در درجه اول مسئول پرورش و تزکیه نفس خود است. رشد، بالندگی و رستگاری انسان، در گرو تزکیه نفس اوست. همانطور که انحطاط و سقوط او به آلوده کردن نفس اوست. فرمود:«**قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها**» (شمس/۹و۱۰)؛ که هر کس نفس خود را پاك و تزکیه کرده، رستگار شده؛ و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است. در روز قیامت نیز از این مسئولیت از او باز خواست می شود :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لاَ يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده/ ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید هرگاه شما هدایت یافتید آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند بازگشت همه شما به سوی خداست پس شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.

مسئولیت های نفس و خویشتن انسان قابل احصا وشمارش نیست. موجودی که خداوند متعال، همه چیز را برای او آفریده و دراختیار او قرار داده است، خواهی نخواهی به همان میزان مورد بازخواست خواهد بود. در این مجال به چند مورد از مسئولیت هایی که در آن انسان مورد باز خواست قرار می گیرد به طور مختصر وکلی اشاره می شود:

۱. مسئولیت گوش، چشم وقلب یا ابزار شناخت خویشتن

شناخت نفس و یا به عبارتی خودشناسی اولین راهکار برای خدا شناسی است. فرمود: «**مَنْ عَرَفَ نَفسَهُ فَقَد عَرَفَ رَبَّه**» (جعفر بن محمد (منسوب)، مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰، ص۱۳)؛

هرکس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت. برای اهمیّت و ارزش فوق العاده این مهم، باید اقرار داشت که خداوند متعال با اعطاء نعمت هایی که ابزار شناخت و معرفت هستند، مانند قدرت بینایی توسط چشم، قدرت شنوایی توسط گوش و قدرت درک و فهم توسط قلب، حجت را بر انسان تمام کرده است. در بسیاری از آیات در قرآن کریم به اهمیّت و ضرورت بهره‌گیری از آن ها (چشم؛ گوش وقلب) اشاره شده است :

وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُون. (تحل/ ۷۸)؛ خدا شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید، و برای شما چشم و گوش و دل قرار داد تا مگر سپاسگزار شوید.

براساس جایگاه بلند و ارزش ابزار شناختی انسان مثل گوش، چشم و قلب است که قرآن کریم، آن‌ها را مسئول می‌داند و گفتار، رفتار و عمل بدون علم را از انسان نمی‌پذیرد:

وَلاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولئِكَ كَانَ عَنْهُ مسئولًا (اسراء/۳۶)؛ و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

امام صادق علیه السلام فرمود :

يُسألُ السَّمعُ عَمّا سَمِعَ، و البَصَرُ عَمّا نَظَرَ إلَيهِ، و الفُؤادُ عَمّا عَقَدَ عليهِ. (طبرسی، مشکاه الانوار؛ ۱۳۴۴ ش، ص: ۴۴۵)؛ از گوش درباره آنچه شنیده است بازخواست می شود و از چشم درباره آنچه بدان نگریسته است و از دل درباره باورها و دلبستگی هایش پرسیده می شود.

۲. مسئولیت نعمت حیات، جوانی، مال و ولایت:

چگونگی صرف مال، عمر، جوانی و تمامی نعمت‌هایی که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است، مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند :

لا تَزولُ قَدَما عَبدٍ يَومَ القِيامَةِ حتّى يُسألَ عَن أربَعٍ : عَن عُمرِهِ فيما أفْناه، و (عَن) شَبابِهِ فيما أبْلاه، و عَن مالِهِ مِن أينَ اكْتَسَبهُ و فيما أنْفَقَهُ، و عَن حُبِّنا أهلَ البَيتِ

(ابن بابویه، الخصال‌صدوق، ۱۳۶۲ ش، ص: ۲۵۳)؛ در روز قیامت، بنده قدم از جای خود بر ندارد تا آن گاه که از چهار چیز باز خواست شود : از عمرش، که در چه راهی صرف کرده است؟ از جوانیش؛ که در چه راهی به سر آورده است؟ از مالش؛ که از کجا آورده و در کجا خرج کرده است؟ و از دوستی ما خاندان.

۳. مسئولیت انسان در قبال انبیاء الهی

در روز قیامت انسان درباره اعتقادات حقّه و ایمان به انبیاء الهی که برای هدایت انسان آمده اند، مورد سؤال و باز خواست قرار می‌گیرد :

یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَ لَمْ یَأْتِکُمْ رُسُلٌ مِنْکُمْ یَقُصُّونَ عَلَیْکُمْ آیاتِي وَ یُنْذِرُونَکُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا قالُوا شَهِدْنا عَلی أَنْفُسِنا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَیاةُ الدُّنْیا وَ شَهِدُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ کانُوا کافِرِینَ. (انعام/۱۳۰)؛ ای جمعیت جن و انس آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند و از ملاقات چنین روزی شما را بیم می‌دادند، آنها می‌گویند گواهی می‌دهیم بر ضد خودمان (آری ما بد کردیم) و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد، و بر زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند.

۴. مسئولیت ولایت

مسئله ولایت درقرآن کریم بعد از توحید، نبوت و رسالت تصریح شده است:

إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُواْ الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاَةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

درآموزه های دینی اسلامی ومخصوصا در فرهنگ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، مسئله ولایت اعم از ولایت خدا، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام معصوم علیه‌السلام از اهم مسائل و بلکه در رأس مسائل اعتقادی، دینی و مذهبی قرار دارد که انسان باید نسبت به آن‌ها پاسخگو باشد. بنابراین در روایات، به التزام به ولایت امام زمان، مسئول و پاسخگو بودن و شرط قبول شدن بقیه اعمال در روز قیامت، تأکید شده که به چند روایت اشاره می گردد.

۱. التزام به ولایت؛ التزام به ولایت امام در هر زمان اعتقادا و عملا به قدری مهم است که پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: «**مَنْ ماتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ ماتَ مَيْتَةً جاهِلِيّةً**» (صدوق ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۱۳۹۵ق، ص: ٤١٤)؛ هرکسي بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

۲. پاسخگویی نسبت به ولایت؛ حسکانی درشواهد التنزیل از قیس از ابی هارون از ابی سعید خدری از رسول اکرمﷺ در شأن نزول آیه شریفه ۲۴ سوره مبارکه صافات نقل می کند: **وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مسئولُونَ قَالَ: عَنْ وَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِب**». (حسکانی،شواهد التنزیل، ۱۴۱۱ ق، ۲/ ۱۶۱)؛ فرمود: آنها را متوقف سازید چون باید مورد بازپرسی قرار گیرند» فرمود تا از ولایت علی بن ابیطالب از انها سوال شود.

۳. **ولایت وشرط قبولی اعمال؛** اهمیّت و ارزش ولایت به قدر مهم است که شرط قبول بقیة واجبات وفرایض الهی شمرده شده است. امام صادقؑ می فرماید:

> **إنَّ أوَّلَ ما يُسأَلُ عنهُ العَبدُ إذا وَقَفَ بينَ يَدي اللَّهِ (جَلَّ جَلالُهُ) الصَّلَواتُ المَفروضاتُ، وَ عَنِ الزَّكاةِ المَفروضَةِ، وَ عنِ الصِّيامِ المَفروضِ، وَ عَنِ الحَجِّ المَفروضِ، وَ عَن وَلايَتِنا أهلَ البيتِ، فإن أقَرَّ بِوَلايَتِنا ثُمَّ ماتَ علَيها قُبِلَت مِنهُ صَلاتُهُ وَ صَومُهُ وَ زَكاتُهُ وَ حَجُّهُ** (ابن بابویه، الأمالی صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص : ۳۲۸)؛ هنگامی که بنده در برابر خداوند عزّ وجلّ، می ایستد، نخستین پرسشی که از او می شود، در باره نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حجّ واجب و ولایت ما اهل بیت است. اگر با اعتراف به ولایت و دوستی ما از این دنیا برود، نماز و روزه و زکات و حجّش پذیرفته می شود.

۳. حوزه های مسئولیت خانواده

یکی دیگر از مسئولیت های بسیار مهم که برعهده انسان قرار داده شده است، مسئولیت حفظ خانواده است:

> **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا نفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.** (تحریم/ ۶)؛ ای کسانی

که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانتان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده]اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند.

بهترین و جامعترین بیان درمورد مسئولیت همگانی؛ خانواده و اجتماع، روایت مشهوری است که درکتب روایی فریقین از پیامبر بزرگوار اسلامﷺ نقل شده است:

ألا کُلُّکُمْ راعٍ و کُلُّکُم مسئولٌ عن رَعِیَّتِهِ، فالأمِیرُ الذي علی الناسِ راعٍ و هُو مسئوولٌ عن رَعِیَّتِهِ، و الرَّجُلُ راعٍ علی أهلِ بَیتِهِ و هُو مسئولٌ عَنهُم، و المَرأةُ راعِیَةٌ علی بَیتِ بَعلِها و وُلْدِهِ و هِي مسئولَةٌ عَنهُم. (نشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۳۳۴ ق، ۱۴۵۹/۳)؛ بدانید که همه شما سرپرست هستید و همه شما درباره زیر دستانتان بازخواست می شوید. آن امیری که بر مردم فرمان می‌راند سرپرست است و نسبت به رعیّتش بازخواست می شود. مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آنها باید پاسخگو باشد و زن، سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و درباره آن‌ها باید پاسخ دهد.

۴. حوزه های مسئولیت همگانی واجتماعی

اسلام دینی جامع و کامل است. اسلام رشد، تکامل و تعالی انسان را در تمام زوایا وشئونات زندگی در دامان و بستر اجتماع می‌داند. درآموزه های انسان ساز تربیتی واخلاقی اسلام، تواصی به حق، مواسات بادیگران، رعایت حقوق همگان وخیر خواهی برای همه و... توصیه گردیده به گونه ای که در کمتر مکاتب دینی و اعتقادی دیگر شاید چنین رهنمودها و راهکارهایی برای انسان ارائه شده باشد.

یکی از مهمترین احکام و فرائض دینی اسلام؛ امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف ونهی از منکر هم وظیفه فردی است وهم وظیفه اجتماعی و همگانی. عمل کردن به این دو فریضه ومسئولیت الهی از ویژگی‌های امت اسلامی و رمز برتری آنان بر سایر امت‌ها معرفی شده است:

کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ تُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتابِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفاسِقُون (آل عمران/ ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار).

دو فریضه الهی (امر به معروف ونهی از منکر) از دوجهت وظیفه عموم و همگان است:

الف. از جهت آمر؛ اولین و نخستین آمر ذات باری تعالی است، سپس انبیاء، امامان معصوم و عموم مردم.

۱. خدا: درنظام توحیدی اولین آمر و ناهی خداوند متعال است :

إِنَّ اللَّهَ يَأمُرُ بِالعَدلِ وَالإِحسانِ وَإيتاءِ ذِي القُربى وَيَنهى عَنِ الفَحشاءِ وَالمُنكَرِ وَالبَغيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُم تَذَكَّرونَ. (نحل/۹۰)؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکّر شوید**!**

۲.انبیاء الهی: درمکتب توحیدی اسلام ونظام تربیتی آن بعد از خداوند متعال برجسته ترین نقش را انبیاء الهی دارد؛ آنها هستند که هم عالم به معروف ومنکراند وهم عامل:

الَّذينَ يَتَّبِعونَ الرَّسولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذي يَجِدونَهُ مَكتوبًا عِندَهُم فِي التَّوراةِ وَالإِنجيلِ يَأمُرُهُم بِالمَعروفِ وَيَنهاهُم عَنِ المُنكَرِ... (اعراف / ۱۵۷)؛ همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز میدارد.

۳. امامان معصوم: از انجایی که معصومین علیهم‌السلام وظیفه جانشینی انبیاء را درهدایت وتربیت انسان ها برعهده دارند بهترین آمرین وناهی هستند بگونه در زیارت وارث حطاب به امام حسین علیه‌السلام میخوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوَتْرَ الْمَوْتُورَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَطَعْتَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِين .... (مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۱۷)

٤. عموم مؤمنین ومردم: یکی ازصفات برجسته وشاخص امت اسلامی این است که روحیه وحدت و محبت و همگرایی نسبت به همدیگر دارند:

وَالمُؤمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعضُهُم أَولِياءُ بَعضٍ؛ يَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَيَنهَونَ عَنِ المُنكَرِ وَيُقيمونَ الصَّلاةَ وَيُؤتونَ الزَّكاةَ وَيُطيعونَ اللَّهَ وَرَسولَهُ؛ أُولئِكَ سَيَرحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ. (توبه /۷۱)؛ مردان وزنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، ونهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است.

ب) ازجهت معروف و منکر

امر به معروف عام آنست که هر کس از آحاد ملت مرتکب گناه، خطا، خلاف، فساد، ظلم و ستم و... شود یا یکی از تکالیف واجب را ترک کند، بر هر شخص مطلعی واجب است وی را از ارتکاب گناه نهی کند. همه مردم چنین حقی را دارند و می‌توانند هر کس را در هر مقامی امر و نهی کنند.

امر به معروف خاص به این معنی است که باید گروه ویژه ای در همه‌ی اجتماعات این وظیفه را عهده‌دار باشند و آن در مسائلی است که نیاز به علم و آگاهی دارد. این قسم از امر و نهی نسبت به برخی از مسائل، مخصوص گروه دانشمندان آگاه و راستین و بی غرض و خیرخواه امت می‌باشد.

محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف

واجد شرایط را در بر می‌گیرد. حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده‌ی ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند.

اهمیّت این وظیفه همگانی ازنگاه آیات و روایات

درفرهنگ دینی اسلام، مصالح و سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه به همدیگر مرتبط است؛

بدین لحاظ نسبت به همه افراد نگرشی جامعه گرایانه وجود دارد. نقش امر به معروف ونهی از منکر در اسلام که حتی از جهاد در راه خدا مهمتر و برجسته تر شمرده شده است، ناظر بر همه برنامه های عملی دینی و مذهبی است. لذا درقرآن وروایات، آمرین به این دو فریضه الهی جانشینان انبیاء، امت اسلام بهترین امت، جامعه اسلامی یک جامعه پویا، متحرک و زنده است به گونه ای که همه افراد درقبال همدیگر مسئول اند. در ذیل به چند شاخصه واهمیّت این دو مسئولیت همگانی اشاره می شود:

۱. امت اسلام؛ بهترین امت‌ها

عمل کردن به این دو فریضه، شاخص امت اسلامی و رمز برتری آنان بر سایر امتها معرفی شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّه» (آل عمران / ۱۱۰)؛شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

۲. آمرین به معروف و ناهیان از منکر؛ جانشینان انبیاء

رسول اکرمﷺ : «**مَنْ اَمَرَبَالْمَعْرُوفِ وَنَهی عَنْ المُنْكَرِفَهُوخَليفَةُاللّه فی أَرْضِهِ وخَليفَةُرَسُولِ اللّه**» (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۱۳۶۰ش، ج ۲ ص:۸۰۷) کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و پیامبر در روی زمین است.

۳. امر به بمعروف ونهی از منکر؛ عامل صلح وامنیت و آبادانی

امام باقرؑ دریک کلام نورانی ده صفت و خصوصیت مهم درمورد نقش این دو فریضه الهی و مسئولیت همگانی می فرماید:

إنَّ الأمرَ بِالمَعرُوفِ و النَّهیَ عَنِ المُنكَرِ سَبِيلُ الأنبِياءِ و مِنهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الفَرائِضُ و تَأمَنُ المَذاهِبُ و تَحِلُّ المَكاسِبُ و تُرَدُّ المَظالِمُ و تُعمَرُ الأرضُ و يُنتَصَفُ مِنَ الأعدَاءِ و يستَقِيمُ الأَمر (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹ ق،۱۶/ ۱۱۹)؛ همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیای الهی و

شیوه صالحان است؛ وظیفه ی بزرگی است که به برکت آن سایر واجبات برپا، راه ها امن، کسب و تجارت حلال، ظلم و تجاوز دفع، زمین آباد، اعاده ی حق بر گردن متجاوز گذارده و همه ی کارها سامان می پذیرد.

۴. ترک امر به معروف ونهی از منکر؛ جامعه‌ی مرده

درنظام آفرینش هرچیزی برای هدفی آفریده شده است. قلب برای احساس محبت و تنفر و...، زبان برای گویندگی و تفهیم و تفاهم، چشم و گوش برای دیدن و تشخیص راه از چاه و دیدن حقایق خارجی، گوش برای شنیدن صدای حق و باطل. هرگاه ازهریکی از این ابزار و نعمت های خدادادی درمسیر و هدف خلقت خود استفاده نشود، هرچند گویا، متحرک و با احساس است، ولی از نظر هدف آفرینش مرده است. امام علی‌علیه‌السلام در مورد نقش دست و قلب و زبان نسبت به امر به معروف و نهی ازمنکر می‌فرماید: «**وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ، فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ**». و برخی از آنها منکر را با زبان و قلب و دست انکار نمی‌کند، پس او مرده زندگانی است.

۵. امر به معروف ونهی از منکر؛ خیر وسعادت مردم

در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی از پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمود؛ جامعه انسانی تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر درآن انجام شود، از خیر وسعادت بهره مند است:

لاَ يَزَالُ النَّاسُ بِخَيرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمُ الْبَرَكَاتُ وَ سُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لاَ فِي السَّمَاءِ (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷، ۶ /۱۸۱)؛ مردم همواره در طریق خیر و سعادت اند تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر را انجام می دهند و تعاون بر نیکی و تقوا می نمایند. زمانی که این ها ترك شود برکات الهی از آن ها قطع خواهد شد و بعضی بر بعض دیگر سلطه پیدا می کنند و یاوری در زمین و آسمان نخواهند داشت.

۶. امر به معروف ونهی ازمنکر و اصلاح جامعه

طبق بررسی و مطالعه‌ی تاریخ زندگی جوامع انسانی در گذشته و حال یک مطلب به خوبی روشن می شود؛ انحطاط، انحراف ازمسیر سعادت، دچار شدن به ظلم، فساد و طغیان بشر براثر ترک و عدم عمل به این دو وظیفه مهم الهی بوده و هست. یکی از بارزترین فعالیت‌ها و مبارزات انبیاء الهی در مقابل مستکبران و طاغوت و هرنوع فساد و اختناق، عمل به این دو وظیفه همگانی (امر به معروف و نهی ازمنکر) بوده است. در ذیل این بحث به دو نمونه تاریخی قرآنی و سیره عملی انبیاء الهی و پیشوایان اشاره می گردد.

الف) قرآن

درآموزه های قرآن مسئولیت انبیاء دربرابر ستمگران ومستکبران وطاغوتیان زمان درقالب شعار ثابت درمبارزه با طاغوت درهمه اعصار به صراحت بیان شده است مانند :

وَ لَقَدْ بَعَثْنا في كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ (النحل/ ۳۶)؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!

نمونه دیگر درقرآن کریم مسئولیت و نحوه ی مبارزه حضرت موسی وبرادرش هارون درمقابل طاغوت زمانشان فرعون است وقتی خدا فرمود:

اذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ بِآياتِي وَ لا تَنِيا فِي ذِكْرِي (۴۲) اذْهَبا إِلى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغى (۴۳) فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَيِّناً لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشى (آیات ۴۴-۴۲)؛ تو و برادرت با آیات من به سوی فرعون بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید.؛به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است.؛ اما به نرمی با او سخن بگوئید شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد.

بدون شک فرعون شخصی ظالم وستمگر، آدم کش وفاسد بود. خداوند به موسی علیه‌السلام نفرمود چون فرعون فاسد وقاتل است با او مبارزه کن وهدایتش کن، بلکه انگشت روی

روحیه‌ی سرکشی وطغیانگری او می گزارد؛ بنابراین با تعبیرات مختلف از او یاد می کند. یکجا فرمود :«**اذْهَبا إِلى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغى**»؛ همراه برادرت هارون به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است.

در عبارت دیگر می‌فرماید :

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَها شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْناءَهُمْ وَ يَسْتَحْيي نِساءَهُمْ إِنَّهُ كانَ مِنَ الْمُفْسِدينَ (القصص/ ۴)؛ فرعون در زمین برتری‌جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود!

ب) سیره عملی پیشوایان

امام علی‌علیه‌السلام، وقتی مردم برای بدست گرفتن زمام عملی خلافت و برای بیعت با او هجوم آوردند، آن حضرت برخود احساس تکلیف کرد و فرمود:

أما وَالَّذي فَلَقَ الحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَولا حُضورُ الحاضِرِ وقِيامُ الحُجَّةِ بِوُجودِ النّاصِرِ وما أَخَذَ اللّه‌ُ عَلَى العُلَماءِ أن لا يُقارّوا عَلى كِظَّةِ ظالِمٍ ولا سَغَبِ مَظلومٍ لَأَلقَيتُ حَبلَها عَلى غارِبِها، ولَسَقَيتُ آخِرَها بِكَأسِ أَوَّلِها، ولَأَلفَيتُم دُنياكُم هذِه أزهَدَ عِندي مِن عَفطَةِ عَنزٍ (شريف الرضي، نهج البلاغه،۱۴۱۴ ق،ص:۴۹)؛ هان! سوگند به آن کسی که دانه را شکافت و خلایق را آفرید، اگر حضور مردم نبود و این که با وجود یار و یاور، حجّت تمام است و اگر خدا از عالمان، پیمان نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمگر و گرسنگی ستمدیده، آرام نگیرند، بی گمان، افسار آن [اشتر خلافت] را بر گردنش می انداختم (و رهایش می ساختم) و در پایان، آن را با همان جامی آب می دادم که در آغاز دادم و هر آینه می دیدید که این دنیای شما در نظر من از باد معده (یا آب بینی بزی) هم پست تر است.

امام حسین‌علیه‌السلام در نهضت اصلاح طلبانه عاشورا در مورد مسئولیت خویش در قبال حکام جور وفساد و اصلاح جامعه و امر بمعروف ونهی از منکر می فرماید:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّارو تَنَافُساً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا الْتِمَاساً مِنْ

فُضُولِ الْحُطَامِ؛ وَ لَكِنْ لِنُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ أَحْكَامِكَ (مجلسی،بحار الأنوار، ۱۴۰۳ ق، ۴۴ / ۳۸۱)؛ بار خدایا! تو خود می‌دانی که آنچه از سوی ما اظهار و انجام می‌شود، نه برای رقابت در قبضه قدرت و به دست آوردن پست و مقام است و نه به انگیزه دست‌یابی به ثروت و دارایی این دنیا؛ بلکه هدف این است که نشانه‌های دین راستین و نجات بخش تو را به جایگاه خود بازگردانیم و شهر و دیار بندگانت را از تباهی و بیداد و فریب اصلاح کنیم تا بندگان ستمدیده‌ات به نعمت امنیت و آسایش برسند و به آزادی و حقوق اساسی و انسانی خویش نایل آیند.

و نیز دروصیت نامه معروف خویش برای همگان به درازای تاریخ اعلام فرمود:

وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي ﷺ أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِ وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ (همان، ۴۴ /۳۳۰)؛ من برای سرکشی،عداوت، فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم. بلکه برای اصلاح درامت جدم به پا برخواستم، میخواهم امر به معروف و نهی از منکر نمایم و مطابق سیره جدم رسول خدا ﷺ و پدرم علی بن ابی طالب ؑ رفتار نمایم.

۵. حوزه مسئولیت انسان نسبت به طبیعت ومحیط زیست

ایجاد ارتباط مسئولانه انسان با عوامل طبیعی از بارزترین برنامه های زیست محیطی اسلام است. روایات بسیار در آموزه های دینی اسلام داریم که تمام افراد جامعه را در برابر حفظ و نهگداری از طبیعت، حیوانات ومحیط زیست مسئول می‌داند؛ امیر المؤمنین ؑ می فرماید:

اِتَّقُوا اللهَ فِی عِبَادِهِ وَ بِلاَدِهِ فَإِنَّكُم مَسئُولُونَ حَتَّی عَنِ البِقَاعِ وَ البَهَائِمِ وَ اَطِيعُوا اللهَ وَ لاَ تَعصُوه (نهج‌البلاغه/ خطبه: ۱۶۶)؛ از خدا نسبت به بندگان و شهرهایش پروا

کنید؛ زیرا دارای مسئولیّت هستید، حتّی نسبت به زمین‌ها، حیوانات و خداوند را اطاعت کنید و از نافرمانی او بپرهیزید»

نتیجه

با توجه به مطالب فوق الذکر که در حوزه های مختلف مسئولیت انسان مورد اشاره قرار گرفت، انسان بخاطر کرامت انسانی و سعه وجودی که دارد ازسایر موجودات ممتاز و برتر است. همین امتیاز، استعداد وظرفیت فوق العاده او باعث می شود که حس مسئولیت پذیری، تکلیف و وظیفه او نسبت به سایر موجودات نیز بیشتر وممتاز باشد. انسان براساس طبع اولیه دارای روحیه اجتماعی است و این امر می‌طلبد نسبت به خود، خدا و دیگران و حتی طبیعت پیرامون خویش به طور عام مسئولیت پذیر باشد. بنا بر این انسان باید درقبال تکالیف و وظایف ومسئولیت هایش پاسخ گو باشد.

طبق بررسی و دقت در آیات و روایات و مطالعه تاریخ زندگی جوامع انسانی در گذشته و حال دراین مقاله که هرچند مختصر وگذرا انجام شد دو نتیجه حاصل میگردد؛ نخست اینکه با توجه به گستره حقوق، تکالیف، وظایفی که انسان دارد مسئولیت های متعددی نیز در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی بر عهده دارد که باید نسبت به آن‌ها پاسخگو باشد. دیگر اینکه روشن می شود، انحطاط، انحراف از فطرت و مسیرسعادت، دچار ظلم و فسادشدن و طغیانهای بشر، براثر ترک مسئولیت ها و عدم عمل به وظایف فردی، اجتماعی و عدم وفای به تعهدات الهی وقانونی و... می باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول**، جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۴ ق.

ابن أبي جمهور، محمد بن زین الدین، **عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية**، دار سید الشهداء للنشر ؛ قم سال : ۱۴۰۵ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**: صدوق، ناشر، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

ابن بابویه، محمد بن علی؛ **الأمالی**، صدوق،ناشر،کتابچی، تهران؛ ۱۳۷۶ ش.

بستانی، فؤاد افرام،**فرهنگ ابجدی**، انتشارات اسلامي، تهران،۱۳۷۵ ش.

باقر موسوی همدانی، سید محمد، **ترجمه تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.

دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، دانشگاه تهران،، ۱۳۷۳ش).

راغب اصفهانی، حسین بن محمد **مفردات ألفاظ القرآن**، دار القلم، ۱۴۱۲ ق).

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن **وسائل الشیعة**، ناشر: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام: قم: ۱۴۰۹ ق.

طبرسی، فضل بن حسن **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛انتشارات فراهانی، تهران: ۱۳۶۰ ش.

طوسی، محمد بن الحسن **تهذیب الأحکام**، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.

طریحي، فخر الدین بن محمد،**مجمع البحرین** ناشر: مرتضوی؛ تهران سال چاپ: ۱۳۷۵ ش.

عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة **تفسیر نور الثقلین**: اسماعیلیان: قم‌سال: ۱۴۱۵ ق.

فیومی، أحمد بن محمد: **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**،موسسه دار الهجرة: قم، ۱۴۱۴ ق).

کلینی، محمد بن یعقوب **الکافي** (ط- الإسلامیة،دار الکتب الإسلامیة، تهران: ۱۴۰۷ ق.

مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم،، دار الکتب العلمیة، بیروت: ۱۴۳۰ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی **بحار الأنوار**، دار إحیاء التراث العربي، بیروت،۱۴۰۳ ق.

نشابوری، مسلم بن حجاج،**صحیح مسلم**، دارالطباعه، ۱۳۳۴ ق.

هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله؛ **منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة** (خوئی)ناشر: مکتبة الإسلامیة ؛تهران ؛ ١٤٠٠ ق.